



تبیین ضوابط طراحی نمای بناهای میان افزا با رویکرد زمینه گرایی در جهت تعادل بخشی منظری در بافت های تاریخی : مطالعه موردی محله عودلاجان تهران

ذبیح الله فنبری

(دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت های تاریخی، دانشگاه علم و صنعت)

Ghanbari.younes@Gmail.com

چکیده

مباحث پیرامون طراحی معماری و رابطه ی آن با بافت های تاریخی از دهه 60 میلادی رونق گرفت. در این میان آنچه که در تاریخ سیاسی جهان روی داد، روند این برخورد را تحت تاثیر قرار داده است، امروزه رویکرد یکپارچه گرایی و توسعه پایدار از بحث های مهم پیرامون شهر تاریخی می باشد که در بطن آن توسعه میان افزا و به پیروی از آن طراحی بنای میان افزا و نمای آن نیز مطرح شده است .

با بررسی تاریخ شهرهای ایران در می یابیم که توسعه شهری در دوره های مختلف تاریخی در پیوستگی و همگام با گذشته شهر بوده است. امروزه توسعه شهرها درون و چه در پیرامون بافت های تاریخی با سرعت بیشتر و ابعاد بزرگ تر در حال شکل گیری می باشد. حال سوال پیش می آید که چه ابزاری می تواند رابطه ای متوازن و متعادل میان توسعه و شهر تاریخی ایجاد کند ؟ به گونه ای که همچون گذشته توسعه شهر با منظر شهر تاریخی هماهنگ و مرتبط باشد؟

در این پژوهش راهکار ارائه شده مفهوم زمینه گرایی در طراحی بناهای میان افزا و نمای آن ها می باشد، چرا که با ذکر دلایل و نتایج موجب تعادل و توازن میان بافت تاریخی و معماری میان افزا در منظر شهری می گردد.

ریشه گرایی ، تاریخ محوری ، جامعه گرایی و همچنین اصالت محوری نحوه پیگیری مطالب می باشد.

واژه های کلیدی : بنای میان افزا، توسعه میان افزا، بافت تاریخی عودلاجان، نماسازی، ضوابط، تعادل، زمینه گرایی



مقدمه

تا قبل از جنگ جهانی و تحولات ناشی از انقلاب صنعتی، تغییرات جوامع شهری بسیار بطئی و نامحسوس بوده و به تبع آن کالبد شهرها نیز با دگرگونی قابل توجهی مواجه نبوده است. همگام با تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و فن آوری جدید بافت های شهری با تغییر شکل و شالوده مواجه شده است {خادمی، 1390}. بعد از جنگ جهانی نیز مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... باعث توجه به بافت های تاریخی گردید که به موجب آن رویکرد بازسازی در بافت های تاریخی به عنوان راهکار مورد استفاده قرار گرفت. بازسازی بافت های تاریخی امکان استفاده دوباره از این بناها و بافت های تاریخی را صورت داد، که در دهه 1960 استفاده مجدد از این بناها و بافت ها مورد توجه واقع می گردد. اولین برخورد با نماسازی و نماگرایی در توسعه میان افزا نیز در این زمان و در بازسازی بافت صورت می گیرد. در این دوران مرمت سبکی به منظور باززنده سازی بافت های تاریخی استفاده می شود. البته در همین دوران حفظ تنها نمای بناهای تاریخی از رویکردهای معمول بوده است که به فاسادیسیم معروف گشته و منظور از آن حفظ تنها نمای بنای تاریخی و طراحی فضای داخلی آن برای عملکرد بهتر می باشد.

جهان بعد از جنگ همگام با جامعه، توسعه را در بطن خود می گنجانند و شکل این توسعه، طراحی بنای هایی است که در فضاهای شهری دیده می شوند. این روند خودخوانی توسعه در بخش های مرکزی شهرها که عموماً تاریخی می باشند نیز با اشکال مختلف دیده می شود. دو روش 1- بهسازی، نوسازی و بازسازی بناها و بافت تاریخی 2- طراحی ساختمان های جدید در بافت تاریخی روش های معمول حدوداً هفتاد سال اخیر در خصوص توسعه میان افزای در بافت های تاریخی می باشد.

حال در این نوشتار سعی شده است که ضوابطی متعادل و راهکاری برای طراحی نمای بناهای میان افزا در بافت تاریخی تعیین و تبیین شده و مورد ارزیابی و اعتبار سنجی قرار گیرد، تا راهکاری برای حل مسئله طراحی نما در روند توسعه میان افزای شهری باشد. اگر چه لازم به ذکر است که نوع جنس مصالح ساختمانی نماهای بناهای میان افزا خود نیازمند تحقیقی مستقل و بسیار مفصل می باشد که در این مقوله نمی گنجد. در آخر نیز برای ملموس گشتن نوشتار با مطالعه موردی محله عودلاجان، کوچه مروی سعی شده است ساختاری خوانا و راهکاری متعادل بیان شود.

الف (پیشینه تاریخی :

الف - 1 پیشینه تاریخی مسئله (جهانی)

با گسترش توسعه و جهان توسعه نگر بحث توسعه میان افزا شکل می گیرد. اساس طرح مباحث مربوط به ساختارهای جدید در محیط های تاریخی با ظهور فن آوری و شهرسازی جدید در قرن نوزدهم میلادی هم زمان است، زیرا در این زمان است که ما شاهد تضاد آشکار میان شهرهای سنتی با مفهوم توسعه به شیوه جدید هستیم {قدیری، 1385}. در این زمان بیش از هر چیز مفهوم شهر جدید مورد توجه قرار می گیرد و توسعه میانی شهر بیشتر توسعه ای از جنس کاربری های جدید است چرا که بسیاری از فنون جدید و سیستم های اداری و کاری جدید شکل می گیرد. صاحب نظران مرمتی نیز همچون طراحان شهری با مسئله توسعه برخورد پیدا کرده و به دنبال راهکاری برای توسعه میان افزای شهری می باشند. اولین نظریات مدون



در این رابطه را می توان به صورت تلویحی در عقاید و نظرات کامیلو سیت اتریشی یافت {همان، 1385} اما اولین فردی که نظریات مدون را در مورد ساختارهای جدید مطرح می کند جووانونی است {همان، 1385}. نظریات سیت و جووانونی بیشتر در خصوص طراحی معماری در محوطه های تاریخی و بناهای تاریخی می باشد. اما همین نظریات به نقطه عطفی برای شکل گیری نظریات گسترده در خصوص طراحی معماری در بافت های تاریخی تبدیل می شود. نظریات جووانونی در طراحی ساختمان دو جنبه اصلی داشته است 1- طراحی فرم ساختمان 2- طراحی نمای ساختمان، که لزوم طراحی نما با استاندارد هایی برای بافت تاریخی را مطرح می کند.

همان طور که گفته شد با مطرح گشتن مسئله توسعه در دهه های 50 و 60 راهکارهای گوناگونی به منظور توسعه در دل شهر شکل می گیرد. از همین رو هنگامی که جنگ جهانی دوم به پایان می رسد. با توجه به مسائل اقتصادی، سیاسی، جمعیتی و ... مسئله بازسازی قسمت های تخریب شده مطرح می شود و نوعی از توسعه میان افزای در دل بافت های تاریخی مورد شکل می گیرد. دهه 1960 میلادی مسئله توسعه در برابر بافت های تاریخی قرار می گیرد یکی از راهکارهای مورد استفاده در این دوران ناسازی صرف می باشد که به نام حفظ نما {شهرکی، 1391} یا فاسادیسیم {حنای، 1390} مشهور می گردد. بحث مهمی که در شکل و ساختار بافت های تاریخی همیشه مطرح بوده است ناسازی می باشد که اولین برخورد توسعه و بافت های تاریخی پاسخش را در ناسازی در روند توسعه میان افزا می بیند، البته که مورد نقد صاحبان نظران بسیاری قرار می گیرد که با دلایلی محکم و قاطعانه این روند را در بعضی از مواقع مخرب نه راهکار گرا می دانسته اند، اما در این شیوه نیز نمونه های موفق موجود می باشد. رواج این نگرش در دهه 1980 می باشد {شهرکی، 1391} تا این که در دهه 1990 روند توسعه میان افزا شکل تازه می گیرد و آن حفاظت محوری در نحوه توسعه است. دهه 1990 به بعد رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه به عنوان رویکردی غالب در بازآفرینی محیط های فرهنگی- تاریخی مطرح می گردد و از سوی انجمن ها، افراد و موسسات در مقیاس های مختلف محلی، ملی و بین المللی مورد توجه، حمایت و توسعه قرار می گیرد {حنای، 1390}. تا به امروز نیز مهمترین مسئله در توسعه میان افزا حفاظت محوری، اصالت محوری و همچنین ساختار شناسی و ساختار گرایی در بافت تاریخی است که البته مسئله تعادل در حفاظت از بافت های تاریخی در برابر بناهای میان افزا همیشه مورد تبیین و بازگویی بوده است که این نیز به دو گونه 1- طراحی بنای میان افزا 2- نمای بنای میان افزا مطرح می باشد.

الف - 2 پیشینه تاریخی مسئله (ایران)

چالش میان حفاظت و توسعه از موضوعات بحث برانگیز مرمت شهری و معماری معاصر ایران است {حنای، 1386}. حال سوال پیش می آید این چالش مطرح شده در حفاظت و توسعه چگونه باید حل گردد. پاسخ این سوال در نگرش به تاریخ شکل گیری توسعه در ایران و لزوم حفاظت از بافت های تاریخی می باشد.

توسعه در زمان قاجار و به اخص در زمان حکومت ناصر الدین شاه در ایران مفهوم امروزی پیدا می کند. اگر چه همواره در شهرهای مهم گونه ای از بهسازی و نوسازی شهری در دوره های مختلف انجام می گردیده است. در این دوران نیازهای جدید در بطن جامعه ایرانی مطرح می شود که اقدامات میرزا تقی خان امیر کبیر در سال 1225 گام مهمی در توسعه و عمران شهر تهران به شمار می رود. احداث دارالفنون و مریضخانه دولتی تهران، نوسازی مغازه های خیابان ناصریه، تخریب بناهای



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

فرسوده و بازسازی کاخ‌ها و بناهای ارگ سلطنتی و آغاز عملیات سنگفرش کردن کوچه‌های ارگ سلطنتی به دستور امیر کبیر، احداث مجمع‌الصنایع در سمت غرب سبزه میدان (همان، 1386) و... توسعه شهر تهران را در دوره ناصری نشان می‌دهد، شهرهای دیگر هم به همین روال به سمت توسعه پیش می‌روند. لازم به ذکر است که توسعه شهری در دوره ناصری در تقابل با معماری بومی نبود و تا حدی دارای معیارهای معماری ایران بوده و رویکرد آن رویکردی بومی است که خود موفقیت رویکرد زمینه‌گرایی را نشان می‌دهد. در محدوده‌ی دوره مشروطه و مشروطه خواهی همانند فرانسه در زمان انقلاب مفهوم حفاظت برای اولین بار در ایران شکل می‌گیرد و آثار تاریخی با مفهوم زیبایی و ملی‌گرایی و ملیت‌سازی مهم قلمداد می‌شوند. این نگاه به آثار فرهنگی باعث شکل‌گیری روندی در توسعه شهری در ایران می‌شود که مفهومی ایرانی و تاریخی را به یدک می‌کشد. بعد از مشروطه در زمان رضا شاه توسعه شهری در کنترل مفهوم ملی‌گرایی در می‌آید و این طراحی بناهای میان‌افزای شهری را تحت شعاع قرار می‌دهد، که این خود باعث شکل‌گیری اولین نگاه به طراحی بنای میان‌افزا و نمای بنای میان‌افزا در بافت شهری در تداوم توسعه در زمان رضا شاه می‌باشد. در این زمان بسیاری از بناهای طراحی شده براساس دو نگاه پیش‌تر مطرح شده یعنی 1- طراحی بنا 2- طراحی نما شکل می‌گیرد. این دو نگرش در طراحی بنای میان‌افزا شهری در عصر پهلوی اول همان‌طور که گفته شد تحت شعاع ملی‌گرایی و تاریخ‌گرایی شاه ایران بوده است که نوعی از توسعه میان‌افزا با رویکرد ملی‌گرایی را در ایران مطرح می‌کند. در دوره پهلوی دوم که توسعه افسار گسیخته با شهر برخورد می‌کند کم‌کم شکل شهر ایرانی تغییر پیدا کرده و نوعی از تقابل در شهرهای ایرانی را شکل می‌دهد که مفهوم توسعه میان‌افزا و طراحی بنای میان‌افزا و طراحی نمای بنای میان‌افزا را به شکل مدرنش مطرح می‌کند. در این زمان توسعه و طراحی بناهای شهری براساس دو رویکرد دولتی و عام شکل می‌گیرد. در طراحی بناهای شهری دولتی یا شاهنشاهی بناهای طراحی شده براساس رویکرد تاریخ‌گرایی شکل می‌گیرند که موتیف‌های مهم و تاثیرگذاری را در نماهای بناهای میان‌افزا تشکیل می‌دهد. اما طراحی شهری عام در تقابل با معماری ایرانی و شهرسازی ایرانی بوده است و متأسفانه از دهه‌های 1350 و 1360 این رویکرد غالب اصلی توسعه شهری ایران می‌گردد.

امروزه طراحی بناهای شهری و همچنین طراحی بناهای میان‌افزای شهری در بافت تاریخی مسئله جدی می‌باشد که دو موضوع طرح ساختمان و نمای ساختمان مهم‌ترین این مسائل می‌باشند. راهکارهای مختلفی برای این مسئله پیش می‌آید که در بطن آن‌ها مفاهیمی شکل می‌گیرد که باید مورد بررسی قرار بگیرد.

روش تحقیق

هدف از تحقیق پیش‌رو تجزیه و تحلیل پرسش‌های متداول زمینه‌ی تحقیق و همچنین دستیابی به پاسخی مناسب برای آن‌ها می‌باشد. لذا در روند پژوهش سعی شده است، بحث به دور از گزاره‌گویی و در چهار چوب مشخص پیگیری شود. مباحث مطرح شده به وسیله‌ی روش‌های توصیفی-تحلیلی و تحلیلی-بیا می‌شوند. در انتها نیز سعی شده است که طرح مسئله به نتیجه‌ای صحیح ختم گردد.



ب) رویکرد زمینه گرایی

یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی زمینه گرایی می باشد {تولایی، 1380}، زمینه گرایی در ابتدای امر هنگامی که در شهرسازی مطرح گشت در پیروی از اندیشه زمینه گرایان پیرامون زمینه گرایی محیطی بوده است که بیشتر محیط‌های طبیعی را مد نظر داشته است، اما در ادامه این روند، رویکردهای دیگر نیز در مباحث زمینه گرایی مد نظر قرار گرفته است. در حوزه شهرسازی زمینه گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها یا ویژگی‌های درونی خود نمی باشند، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند. از این رو، نمی توان فقط در جستجوی خواص و ابعاد پدیده‌ها بود و به جوهر پدیده‌ها- بدون توجه به بعد زمان و زمینه‌ای که در آن قرار دارند- نگریست. واحد تحلیل در این رویکرد، مطالعه بناها یا فضاها در ارتباط با عوامل محیطی آن است و هر گونه تغییر و دخالت در آن‌ها نیز به این عوامل وابسته می باشد { همان، 1380}.

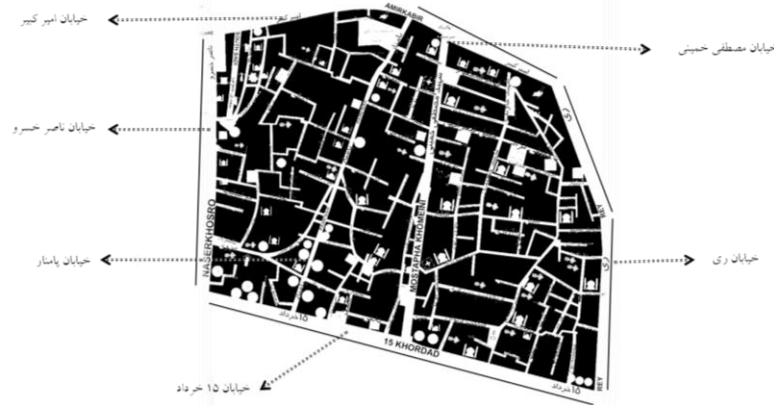
امروزه هنگامی که از رویکرد زمینه گرایی سخن به میان می آید سه رویکرد غالب کالبدی، تاریخی و اجتماعی و فرهنگی مورد بحث قرار می گیرد { همان، 1380}.

بحث پیرامون زمینه گرایی در طراحی بنای افزا دارای هر سه رویکرد کالبدی، تاریخی و اجتماعی- فرهنگی می باشد. چرا که بافت تاریخی دارای هر سه ویژگی ذکر شده می باشد، همین مسئله مهمترین ویژگی در شکل‌گیری این پژوهش بوده است.

ملموس‌ترین زمینه موجود در بافت تاریخی ماهیت تاریخی آن می باشد و در درجه بعدی ماهیت کالبدی و در انتها نیز ماهیت اجتماعی فرهنگی مورد توجه قرار می گیرد، اگر چه این سلسله مراتب به درستی انتخاب نشده است و براساس تصورات ذهنی می باشد اما در این بحث این سلسله مراتب را حفظ می کنیم، در همین خصوص دیدگاه تاریخ گرایان در شهرسازی بسیار مهم می گردد، تاریخ گرایان بر این عقیده اند که گذشته، درس‌هایی عینی برای شهرسازی کنونی ایجاد می کند. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بی‌هوده فرض کرده است { ماجدی، 1389}. به گفته پوپر، « ما تحقیقی را انتخاب می کنیم که سابقه‌ای از تکامل علم در پشت آن نهفته است و سعی در ادامه‌ی آن داریم.. باید از آنچه گذشتگان انجام داده اند بهره بگیریم. اگر بخواهیم در علم پیشرفت کنیم باید بر شانه پیشکسوتان بایستیم و سنت خاصی را ادامه دهیم» { همان، 1389}. در مباحث شهری مفاهیم تاریخی گرایی و کالبدی نگاری با هم ادغام می شود چرا که شهر دارای هر دو ماهیت مفهومی و کالبدی می باشد، به گونه‌ای که تاریخ شهر را از کالبد شهر نمی توان جدا کرد و این دو یک مفهوم مستقل در مباحث زمینه گرایی شهری شکل داده اند که می توان آن را منظر تاریخ گرایانه کالبدی دانست. دیدگاه تاریخ گرایانه کالبدی گونه‌ای از طراحی در نمای بنای میان افزا را مد نظر قرار می دهد، که به عنوان مثال تکرار آبستره تزئینات نماهای تاریخی می تواند یکی از راهکارهای مفصلی میان شهر تاریخی و معماری معاصر باشد، همچنین این دیدگاه موتیف‌های تزئینی، موتیف‌های درب و پنجره‌ها و تکنیک‌های نماسازی تاریخی ... را ارائه می دهد که در مفهوم منظر شهری بسیار مهم می باشند. رویکرد زمینه گرایانه در همه‌ی ابعاد طراحی نما می تواند موثر واقع گردد. هنگامی که در بافت تاریخی نیاز به ساخت بنای میان‌زاست، رویکرد زمینه گرا در طراحی آن و همچنین در طراحی نما عاملی موثر در روند تعادل‌گزینی منظر شهری و ساختار شهری می باشد.

زمینه بحث

محله عودلاجان از محله‌های قدیمی شهر تهران است که در منطقه 12 شهرداری تهران واقع شده است. محدوده‌ی بافت عودلاجان از شمال خیابان امیر کبیر، از جنوب خیابان پانزده خرداد، از شرق خیابان ری، از غرب خیابان ناصر خسرو می‌باشد.



شکل 1- محدوده‌ی بافت تاریخی عودلاجان تهران (ماخذ: نگارنده، 1392)

بافت تاریخی عودلاجان در دوره قاجاریه از محله‌های اعیان نشین بوده است. انفجار جمعیت در محله‌های قدیمی تهران و گسست تاسیسات شهری در این مناطق و همچنین گسترش شهر تهران در دو دوره پهلوی پیرامون آن و کشیدگی شهر از چهار جهت به خارج از بافت تاریخی تهران سبب گشت که در دهه‌های 50 و 60 شمسی ماهیت کیفی خود را از دست داده و امروزه این محله با مشکلات بسیاری روبرو گردد، از جمله مسائل مطرح در بافت محله عودلاجان، معماری ساختمان‌های مسکونی و تجاری است که کمتر با شکل و ساختار محله هم سو می‌باشند.

یکی از مهمترین مسائل توسعه میان افزا کمیت است که با مفاهیمی همچون مساحت و تراکم مرتبط می‌باشد. در بافت تاریخی عودلاجان با دو گونه معماری مسکونی و تجاری روبه رو می‌شویم که براساس حجم و عملکرد متفاوت می‌باشند.

معماری مسکونی (شکل 2) اغلب در درون محلات عودلاجان ساخته می‌شوند، از ویژگی‌های برجسته این معماری ارتفاع و حجم آن می‌باشد که با توجه قوانین وضع شده تا حدودی کنترل شده می‌باشد. گونه‌ی دوم معماری که بیشتر دارای عملکردی تجاری می‌باشد (شکل 3) اغلب در محدوده‌ی بیرونی بافت تاریخی عودلاجان و خیابان‌های ناصر خسرو، ری، امیرکبیر، پانزده خرداد و همچنین خیابان پامناز و کوچه‌ی شهید جاویدی شکل گرفته‌اند.



شکل 3 - خیابان پانزده خرداد روبه روی کوچه همایون

(ماخذ: نگارنده، 1392)



شکل 2- تقاطع کوچه حق پرست 1 با ملاباقر

(ماخذ نگارنده، 1392)

بنای میان افزا درون محله ای (مسکونی)

درون بافت های تاریخی، محلات خود به تنهایی یک شهر همواره زنده می باشند که به وسیله ی واحدهای همسایگی تعریف و مشخص می گردند. ساختمان های مسکونی اجزای اصلی تشکیل دهنده ی یک محله می باشند. همانگونه که می دانیم در محله های تاریخی همواره مسئله تامین مسکن مطرح بوده است، و همواره مسکن براساس مرگ و تولد درون بافتی تامین می شده است، که این مسئله بافت را زنده نگاه می داشته و زنده نگاه خواهد داشت. بافت های تاریخی با گذشت زمان شکل و تغییرات تازه ای را در ظاهر خود نشان می دهند. نحوه و مدت تغییرات در یک محله براساس کیفیت ساخت تعریف می شود.



شکل 4- کوچه شهید محمد طه علمی (ماخذ: نگارنده، 1392)

امروز نیز با گذشت زمان، درون بافت های تاریخی همان محرک ها (تولد و مرگ) همچنان موجود می باشند، اما شکل و ساختار معماری امروزه با گذشته بسیار متفاوت و در مواردی در تضاد با گذشته می باشد. این تغییرات گسترده در حجمی عظیم در حال شکل گیری می باشد.

در ابتدای امر حفاظت، حفظ و نگهداری و مرمت بناهای مهم شهری (مذهبی و دولتی) مورد نظر بوده است اما امروزه بافت های تاریخی با ارزش قلمداد می شوند و حفظ ماهیت آن ها بسیار با اهمیت می باشد. در این خصوص بیم آن می رود که این تغییرات گسترده سبب از بین رفتن بافت های تاریخی و مفهوم آن ها شود.

زندگی و پویایی از مهمترین مسائل مطرح در مورد حفاظت بافت های تاریخی می باشد که وابسته به عواملی از جمله عامل اصلی آن یعنی انسان می باشد، انسان نیروی پویایی بافت های تاریخی است، به همین منظور حفظ زندگی در بافت های تاریخی بسیار مهم می باشد. از جمله مسائلی که در بافت های تاریخی باید مد نظر قرار گیرد نوسازی و بازسازی در محدوده ی بافت می باشد، که نیاز به ساخت بناهای میان افزا در دل بافت را شکل داده است.

در بافت های تاریخی عودلاجان متاسفانه به دلیل تخریب های گسترده فضای متروک و خرابه های بسیاری موجود می باشد (شکل 5) که امروزه برای تامین مسکن در درون بافت تاریخی مورد استفاده قرار می گیرند. نحوه ساخت و ساز و همچنین نمای سازی در این بافت تاریخی از مهمترین مسائلی است که در این خصوص پیش می آید.



شکل 5- تقاطع کوچه رکنی و شهید صوفیانی (ماخذ: نگارنده، 1392)

پرسش‌های فراوانی در خصوص ساخت و سازهای درون بافتی پیش می‌آید. از جمله مسائلی که می‌توان به آن اشاره کرد یک بنای میان افزا با کارکردی مسکونی در دل یک بافت تاریخی چگونه می‌تواند هم به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی بافت احترام بگذارد و هم روال جاری در دل بافت‌های تاریخی یعنی خط تاریخی متداول در درون‌شان را تامین کند.

مسئله رنگ در نمای بناهای تاریخی مسئله‌ی مهمی است که باید به دقت بررسی و راهکاری برای آن ارائه گردد. بررسی زمینه‌های جغرافیایی و تاریخی می‌تواند در این خصوص راهگشا باشد.

با در نظر گرفتن معیارهای تاریخی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و از همه مهم‌تر اقلیم محیط شهری، می‌توان ضوابطی ایجاد کرد که تعریف درست و روشن از رنگ، مواد و مصالح، فرم و حجم، ارائه کرده به طوری که همگی با ریتم نشأت گرفته از فرهنگ اجتماعی حاکم بر محیط انجام شود. به عبارت دیگر رنگ ارتباط دهنده‌ی کدهای اجتماعی نسل گذشته به نسل حال و آینده می‌باشد (نویسی، 1389).

طراحی نمای ساختمان‌های مسکونی درون بافت تاریخی از جهات مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، از اولین مسائل مطرح شده می‌توان به جنس مصالح ساختمانی آن اشاره کرد، جنس مصالح ساختمانی در گذشته آجر بوده است، همچنین کاشی‌کاری‌ها و گچ‌بری‌ها از جمله تزئینات نما بوده‌اند. امروزه نمای غالب بناهای مسکونی از سنگ می‌باشد، که عملکرد این ماده باید به درستی مورد پژوهش قرار گیرد تا کاربرد امروزه آن مورد ارزیابی قرار گیرد، اما آنچه که مهم جلوه می‌کند آن است که استفاده از آجر به تنهایی نمی‌تواند پاسخگو به گرایش‌های تنوع طلب معاصر باشد.

در این میان هزینه‌ها یکی از فاکتورهای مهم در انتخاب نمای بناهای میان‌افزای مسکونی است، که عامل بالقوه در تعیین و تصمیم‌گیری می‌باشد. استفاده از موتیف‌های بناهای تاریخی به گونه‌ای متنوع (آبستره و ..) می‌تواند در این میان راهگشا باشد. این موتیف‌ها در ابعاد مختلف¹ با پس‌زمینه‌ای ساده یا پیچیده² در نمای بناهای میان‌افزا ارتباط و همچنین تعادل و تنوع را در بافت تاریخی میسر می‌کند، به گونه‌ای که حس تنوع طلبی معاصر را تسکین داده و ارتباط پیوسته با بافت تاریخی رعایت می‌گردد.

¹- حجم اجرای موتیف‌ها وابسته‌ی به مقدار هزینه می‌باشد.

²- این نیز وابسته‌ی به مقدار هزینه می‌باشد.

بافت تاریخی عودلاجان بافتی عمدتاً قاجاری و پهلوی می باشد، استفاده از موتیف های تزئینی قاجاری مانند انواع شیوه های آجری کاری (شکل 6) و کاشی کاری ، همچنین استفاده از طرح و نماهای پیش از قاجار و ساده شده ی قاجاری و حتی تکرار تزئینات قاجاری به شکلی آستره، سبک و ساده با مصالح جدید می تواند چهره ای ارزشمند و همچنین پیوسته و متعادل را ارائه دهد. این ارتباط و تنگاتنگی به نحوه ی است که مصالح جدید در ترکیب با موتیف های تاریخی یک ماهیت پویا را شکل خواهد داد.



شکل 6- خانه ی تاریخی، محله عودلاجان (ماخذ: همشهری آنلاین)

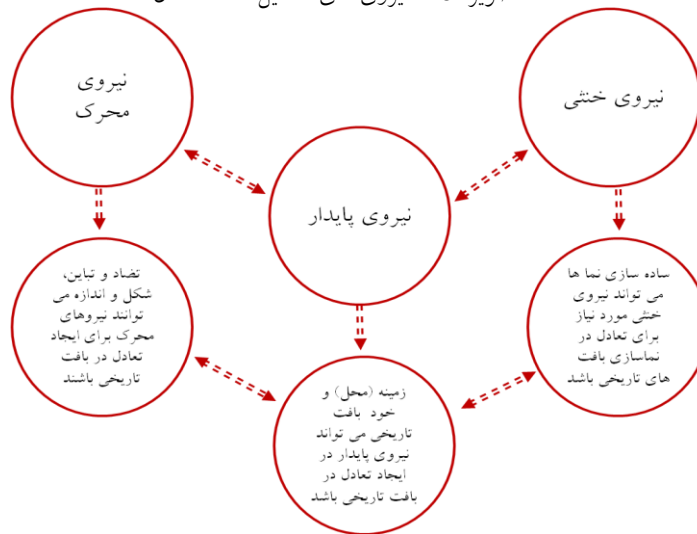
طراحی نما بنای میان افزا مرز محله ای (تجاری و اداری)

مهمترین ویژگی بناها با عملکرد تجاری کمیت و حجم آن ها می باشد. بناهای تجاری اغلب در مرز محله های تاریخی ساخته می شوند. بافت تاریخی عودلاجان محصور در چهار خیابان اصلی ناصر خسرو، ری، امیر کبیر و پانزده خرداد می باشد. این موضوع سبب شده است که ساختمان های با عملکرد تجاری در پیرامون محله عودلاجان و در ارتباط با آن ساخته شوند. حجم و اندازه این گونه معماری موضوع بسیار مهمی می باشد که نحوه ی طراحی نمای این ساختمان ها را تحت شعاع قرار می دهد. در معماری دوره پهلوی ساختمان های بلند و بزرگ مقیاس با عنوان میان افزا طراحی و ساخته شده است که امروز اغلب آن ها موفق و المانی از منظر شهری شده اند. با بررسی و تجزیه و تحلیل آن ها تاریخ گرایی در فرم و همچنین نمای این ساختمان ها بسیار محسوس دیده می شود. مفهوم تاریخ در ماهیت زمینه گرایی از ساختار های سه گانه آن می باشد، که طول زمانی یک زمینه را نشان می دهد. به همین منظور می توان زمینه گرایی را یک عامل موفق در گذشته و همچنین در آینده برای طراحی نمای ساختمان های تجاری میان افزا دانست، چرا که در گذشته نه چندان دور مورد استفاده قرار گرفته است و امروزه موفقیت آن را در ایجاد تعادل و پیوستگی میان منظر شهری تاریخی با شهر معاصر را می توان دید.

نتیجه گیری

در این نوشتار سعی بر آن شد که طراحی بناهای میان افزا در قالب یک رویکرد تبیین شده و ضوابطی را برای آن تعریف کرد. رویکرد زمینه‌گرایی در طراحی نما دارای ویژگی‌هایی است که متناسب با قوانین مطرح شده طراحی معماری در محیط و بافت‌های تاریخی می‌باشد، در این نوشتار سعی شده که این تناسبات بیان شده و تعریف شوند و روابط آن‌ها با طراحی نما بیان شود و همچنین روند این رابطه تا ایجاد تعادل و توازن در بافت تاریخی مورد بررسی قرار گیرد.

تصویر 10- نیروی‌های تشکیل‌دهنده تعادل



منابع

- [1] باقریان، م. بازشناسی قابلیت‌های نوسازی در بافت‌های فرسوده بخش میانی بر پایه ویژگی‌های اجتماعی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، 1389، 1389
- [2] خادمی، م، تاثیر ساختارهای میان افزا بر تحرک نوسازی در بافت‌های فرسوده، منظر شماره 14، 1390
- [3] دیبا، د، حناچی، پ، مهدوی نژاد، م، حفاظت توسعه در ایران (تجزیه و تحلیل تجارب مرمت در بافت‌های با ارزش شهرهای تاریخی ایران)، معماری و شهرسازی، 1386
- [4] ذاکری، م، مروری بر سه کتاب ریشه‌های معماری مدرن، تحلیل فرم‌های معماری، معماری زمینه‌گرا. کتاب ماه هنر. 1390
- [5] رضایی، س، پیر بابایی، م، الگوی میان افزا با رویکرد ایمن‌سازی محیط در نوسازی بافت‌های فرسوده (محله ساقریسازان رشت)، همایش بافت‌های فرسوده شهری مشهد، 1387
- [6] عبدالعلی زاده، ع، احیا و نوسازی بافت‌های فرسوده با رویکرد راهبرد توسعه شهر، جستارهای معماری، 1389



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

- [7] زرآبادی، ز، شهر نشان دار به مثابه شهر زمینه گرا، فصل نامه تحقیقات فرهنگی دوره سوم، 1389
- [8] سنگی، الف، تاملی بر مفهوم توسعه میان افزا و ضرورت آن در محلات شهری، شهرداریها، 1388
- [9] جهان شاهی، م. ح، رویکرد توسعه پهنه های رو به زوال شهری (بافت فرسوده) در اروپای غربی، جستارهای شهرسازی، 1389
- [10] شهرکی، ح، مسعود، م، بناهای میان افزا در بافت های تاریخی؛ مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی، انتشارات آذرخش، 1391
- [11] فرادیه، ژ، آینده ای برای شهرهای دوران گذشته، پیام یونسکو، 1353
- [12] فلامکی، م، بازشناسی شهر و فضای باز و ساخته شده، محیط شناسی، 1354
- [13] قدیری، ب، ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، نشر دفتر پژوهش های فرهنگی، 1385
- [14] فلاحی نژاد، تدوین چاچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت های فرهنگی - تاریخی، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی شماره 46، 1391
- [15] نوایی، ح، نقش رنگ در مفاهیم اجتماعی امروز، مجله منظر، شماره 10، 1389